گفت‌وگوی «فرهیختگان» با ۳ تن از اعضای هیات موسس «مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب»

محتوازده نیستیم

معین احمدیان - میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

سینما و نقد نوشتن آنقدر مهم بوده که برایش مجمع به‌راه انداختند. اوایل دهه ۹۰ «مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب» با حضور جمعی از فعالان رسانه‌ای شکل گرفت که چند سالی بود در حوزه سینما، یادداشت و نقد می‌نوشتند. حالا هم چند سالی است که در ایام جشنواره فیلم فجر، نام نویسندگان و نظرسنجی‌های اعضای این مجمع بیشتر شنیده می‌شود. عمده تلقی که درمورد نظرات جمع این منتقدان مطرح می‌شود این است که نگاه‌شان به آثار سینمایی محتوازده است. البته در گفت‌وگویی که با سه تن از اعضای این مجمع داشتیم با این موضوع مخالفت کردند و امیر جاوید در تعریفی که از خودشان ارائه داد، گفت: «طیف خانه سینما و طیف کیهانی حزب‌اللهی، به‌هم نزدیکند و هر دو محتوازده هستند. اینها سیاسی رای می‌دهند. ما هم به محتوا و فرم رای می‌دهیم. یعنی فیلم باید هم فیلم باشد و هم ذیل سینمای انقلاب اسلامی بتوان آن را تعریف کرد. اما چقدر این تصویری که امیر جاوید از مجمع ارائه می‌دهد با آن چیزی که بین اهالی سینماست، تناسب دارد. واقعیت این است که با وجود این مدل مرزبندی‌ها که در گفتار اعضای این مجمع هم دیده می‌شود، همچنان تصویر درست و دقیقی از آنها بین اهالی سینمای ایران وجود ندارد. خودشان می‌گویند: «ما با فیلمسازان و خیلی از بازیگران جلسه داریم و گپ می‌زنیم. آنها هم ما را می‌شناسند و هم ما آنها را می‌شناسیم. ولی هیچ خبری منتشر نمی‌کنیم چون ممکن است هزینه‌هایی برای دو طرف داشته باشد.» پیشنهاد می‌کنیم مصاحبه امیر ابیلی، امیر جاوید و محسن دریالعل سه تن از اعضای هیات موسس این مجمع با روزنامه «فرهیختگان» را بخوانید.

لطف کنید مختصری در مورد شکل‌گیری «مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب» و وضعیت فعلی آن بگویید.

دریالعل من قبل از راه‌اندازی مجمع شروع می‌کنم؛ یعنی از حدود سال ۸۹ که گمده‌های دورهمی با حضور برخی دبیران فرهنگی رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای شکل گرفت. اینها هم از بین «حزب‌اللهی» سایتی و روزنامه بودند تا روشنفکر این‌وری. یک گمده دورهمی که فقط با هم بنشینیم گپ بزنیم و فضا دست ما بیاید. هفته‌ای یک‌بار یا ماهی یک‌بار همدیگر را می‌دیدیم. نسبت تیمی که راه افتاده بود و آدم‌هایی که دور هم می‌نشستند، از یکی دو نفر کم‌کم شروع شد تا دوره‌ای که نزدیک به ۳۰-۲۵ نفر هر هفته در این دوره‌ها حضور داشتند.

دبیران فرهنگی کدام رسانه‌ها بودند؟

دریالعل از فارس و کیهان و رجانیوز در نظر بگیرید تا سینما رسانه. یک دوره‌ای خود تسنیم بود، مشرق بود، نشریه راه فعال بود. حضور متنوعی از رسانه‌های مختلف داشتیم.

ابیلی هر چه سایت حزب‌اللهی که فعال بودند، حضور داشتند.

دریالعل از سایت روشنفکران هم تا جایی که در ذهن من هست یکی دو نفر بودند. دقیق یادم نیست چه کسانی بودند. روشنفکر معاند را کار نداریم. روشنفکر بودند و شاید خیلی در ظاهر تیپ و قیافه آنها... .

یعنی افرادی با موضع و نگاهی متفاوت از اکثریت شما هم در این جمع حضور داشتند؟

دریالعل به اسم بخواهم بیان کنم، چراکه شاید از نظر ظاهری همین الان هم با مخالف هستند و در جمع بودند؛ مثلا کیوان امجدیان بود که الان هم خیلی ارتباط‌اش با شبکه ۳ خوب نیست. از زمان هم مهدی آرابند را در جلسه بود و هم کیوان امجدیان. شاید از لحاظ کلیت و نگاه‌ها خیلی اوقات در جلسات دعوا هم داشتیم و حرف همدیگر را قبول نداشتیم، ولی در جلسات بودند. مهدی طوسی دبیر فرهنگی تسنیم از ابتدا بود و کل این جریان را هم قبول نداشت و می‌گفت شما مسیر را اشتباه می‌روید. با این حال در جلسات به صورت منظم می‌آمد. محمدرضا رضاپور از نقد سینما بود. در مجموع و از بیرون، خروجی‌ای که از آدم‌ها و رسانه‌ها می‌دیدید، بیشتر در رسانه‌های حزب‌اللهی یا راست گرا دیده می‌شد، اما افرادی که در جلسات بودند، افق‌های متنوعی داشتند و لزوما این طور نبود که بخواهد شکل یک اتاق عقلایت باشد یا بخواهد هماهنگی در مورد یک موضوع شود. یک گمده دورهمی بود و بعدها به خاطر خروج فعالان سینمایی، به گمده‌های سینمایی تبدیل شد. از یک جایی به بعد تصمیم گرفتیم این جمع تبدیل به شبه‌صنف شود؛ مثل همان چیزی که در حوزه کتاب و تئاتر اتفاق افتاده بود. این گونه بود که «مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب» شکل گرفت و سازوکار اولیه هم کاملا به شکل مجمع عمومی بود. این مجمع هم با حضور افرادی در حوزه رسانه بود که در جشنواره‌ها با هم تعامل داشتیم یا در رسانه‌ها و جلسات همدیگر را می‌دیدیم. برای حضور در این مجمع، یک دعوتنامه و یک خبر اولیه منتشر شد و از آدم‌های بزرگ‌تر همانند محمدتقی فهیم شروع به دعوت کردیم تا منتقدان جوان‌تر و خبرنگارها. البته یک برنامی بزنم؛ قبل از این هم در قالب نظرسنجی سه بار بچه‌ها بعد از جشنواره فیلم فجر دور هم جمع می‌شدند و بعد از نقد بهترین فیلم چه بوده و کار رسانه‌ای می‌کردند. اکثر بچه‌ها هم در رسانه فعال بودند و معمولا ضریب نفوذ و بازخورد‌ها بسیار بالا بود و هرکدام این نظرسنجی را در رسانه‌های خودشان کار می‌کردند و همین موضوع به بهتر دیده شدن نظرات مجمع کمک کرد. حتی برای انتخاب نام «مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب» هم رای‌گیری کردیم. انواع پیشنهادات لیست شد و آنها به انتخاب اکثریت بود پنج مورد انتخاب شدند. چندین جلسه بحث کردیم که دبیر مجمع چه کسی باشد و شورایی برگزار شد که کارهای اساسامه و ثبت را انجام دهد تا این مسیر را جلو ببرند.

اینهایی که گفتید مربوط به چه سالی است؟

دریالعل این شروع قضیه است که تقریبا سال ۹۲ و ۹۳ این اتفاق افتاد. اولین بار که اسم مجمع اطلاع‌رسانی و نظرسنجی‌ها هم منتشر شد، فکرم می‌کنم سال ۹۳ بود. این اتفاق مبدا و پدید آمدن آن بود. فروردین ماه ۹۴ اولین جلسه برای انتخاب دبیر مجمع عمومی تشکیل شد. محسن بزدی به‌عنوان دبیر مجمع انتخاب شد.

الان مجمع در چه وضعیتی است؟

دریالعل یک دوره یکی، دو ساله برای گرفتن مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد و درفت‌وآمد بودیم که پرونده‌ها را تشکیل دهیم و اساسنامه را درست کنیم و بفرستیم تا تایید شود و اصلاحیه بخورد و این فت‌وآمد دو سال تمام وقت برد و در انتها از کانال وزارت ارشاد به نتیجه‌ای نرسیدیم؛ یعنی هنوز پرونده آنجا در حال عملیات است و اصلاحیه می‌خورد.

> **۹** نگاه افراطی را در مجمع و به‌اسم مجمع جست‌وجو نکنید. نگاه افراطی فعلا در سینمای ایران خاص کیهان و انجمن نویسندگان و منتقدان خانه سینماست. برای همین دو جاست و جای دیگر نمی‌بینید. یکی از این طرف و یکی از آن طرف است

پس دنبال مجوز برای یک صنف فرهنگی هستید؟

دریالعل مجمع یک مدلی از صنف است، همانند انجمن منتقدان که یک مجوز صنفی می‌گیرد.

نمی‌گویند موازی با همان انجمن است؟

دریالعل خیر، ساختارها اینچنین است. انجمن منتقدان هم خصوصی و غیردولتی است. صنوف زیرمجموعه خانه سینما هم ساختار غیردولتی دارند.

چشم‌انداز شما برای مجمع چیست؟ به شکلی می‌توان گفت شبیه مجمع منتقدان است که به یک‌سری از اعضای خود خدمات ارائه می‌دهند؛ مثلا سالی ۵۰ یا ۱۰۰ هزار تومان می‌گیرند و خدماتی مثل کارت حضور در جشنواره می‌دهند و اعضا را هم بیمه می‌کنند.

ابیلی البته انجمن منتقدان و نویسندگان هم ظاهرا الان بیمه نمی‌کند و فقط کارت حضور در جشنواره می‌دهد.

دریالعل ما هیچی نداریم البته انجمنی شکل گیرد که بچه‌ها تحت بیمه قرار گیرند یا صنفی راه بیندازیم که کارت جشنواره بچه‌ها جور باشد. اصلا به این چیزها نگاه نمی‌کردیم.

جاوید نگاه صنفی با تعریف عرفی داریم، ولی نگاه صنفی اگر به تشکل نزدیک شود، بهتر است.

انجمن منتقدان ابتدا صنف نبود و اصلا خانه سینما از این شروع شد که انجمن بود و بعد می‌گویند شما انجمن بودید و چرا صنف شدید؟ یک‌سری آدم جمع شدند و کم‌کم به این سمت رفتند که برای بچه‌ها بیمه هم درست کنند و خدماتی ارائه دهند.

دریالعل اگر صنف باشد می‌تواند وارد آن فضاها شود. اگر صنف نباشید دست خودتان را بسته‌اید.

اما انجمن منتقدان این ماهیت را دارد که آدم‌ها با طیف‌های کاملا متفاوتی در آن حضور دارند و ممکن است به لحاظ ایدئولوژیکی هیچ سنخیتی با هم نداشته باشند.

دریالعل در آیین‌نامه و ورود و جذب اعضا و افرادی که به رسمیت می‌شناسیم، می‌توان موارد را تنظیم کرد. از اسم هم معلوم است که مجمعی است برای سینمای انقلاب. یعنی این پسوند را انتخاب می‌کنیم و حتما محتوا برای ما مهم است.

جاوید حرف ما مشخص است که وقتی می‌گوییم بیشتر نزدیک به تشکل است، تشکل و تشکیلات مفهوم مشخص دارد.

پس ربطی به انجمن منتقدان خانه سینما ندارد، چون او برای خود ماهیت محتوایی و رویکرد متفاوتی دارد؟

ابیلی آنجا هم کارکرد ایدئولوژیکی پیدا کرده است و این امکان را دارد که منتقد یا روزنامه‌نگار با تعدادی مطلب عضو انجمن منتقدان خانه سینما شود، ولی مجمع منتقدان و نویسندگان سینمای انقلاب این‌طور نیست.

آن کسی که می‌خواهد جزء مجمع منتقدان و نویسندگان شود، غیر از اینکه قلم‌به‌دست و یادداشت‌نویس خوبی است، چه ویژگی دیگری باید داشته باشد؟

ابیلی ما بیشتر کار تشکلی می‌کنیم تا صنفی! یعنی می‌خواهیم بچه‌ها را بیشتر با یک کار هماهنگ همراه کنیم تا در یک خط و جهت‌گیری فکری خاص باشند. خدماتی نمی‌دهیم یعنی طرف سودی از این نمی‌برد که با ماست. منتقدی که عضو انجمن منتقدان خانه سینماست، حداقل کارت جشنواره را دارد؛ اما ما کارت جشنواره هم به کسی نمی‌دهیم. اینکه با هم هستیم به‌خاطر جهت‌گیری‌های فکری که مشترک است یعنی به‌صورت رفاقتی و فکری به هم نزدیک شدیم. منفعتی نسبت که ما را به هم نزدیک کرده باشد. سعی می‌کنیم این هم تا آخر باقی بماند.

جاوید کسی هم اگر قرار باشد افراد شبه‌نوع کنش و واکنش‌های او در این عرصه تکلیف را برای خودش و مجمع مشخص می‌کند که در این جمع قرار می‌گیرد یا خیر.

این را قدری بیشتر توضیح می‌دهید. مثلا رفتار، کنش و واکنش‌ها چیست؟

جاوید خود شما به‌عنوان کسی که در فضای رسانه هستید، کنش‌های شما معلوم است و کنش‌های مجمع هم معلوم است. اگر کنش شما به مجمع نزدیک باشد در دوطرف طبیعتا به هم نزدیک می‌شوند یا مجمع تمایل پیدا می‌کند که بگوید آقای الف شما تشریف بیاورید و یک‌بار با هم بنشینیم تا بتوانیم با هم همفکری کنیم و کار را جلو ببریم.

دریالعل در رفتن از مجمع هم این اتفاق می‌افتد. یعنی آدم‌هایی بودند که در نظرسنجی‌ها حضور داشتند و نظر می‌دادند و حالا حضور ندارند. نه ما می‌خواستیم و نه آنها می‌خواستند که باشند.

این حضور یا عدم حضور به میزان فعالیت آنها در رسانه مربوط است؟

دریالعل ما به خروجی افراد نگاه می‌کنیم.

ابیلی خیلی از افراد هستند که الان در کار رسانه نیستند.

جاوید در کار تشکلی عضویت و عدم عضویت معنی ندارد. ریزش و رویش دارد. عضویت و لغو عضویت ندارد.

رویکرد مجمع منتقدان و نویسندگان سینمای انقلاب چیست که فرضا فردی علاقه‌مند با همکاری آنها باشد. مثلا اگر مواضع یکی از اعضای مجمع نسبت به یک فیلم، متفاوت از مجمع باشد، بر عضویت یا عدم عضویت آن فرد تاثیرگذار است؟

دریالعل این‌طور نیست که اگر فردی، فیلم فلان را دوست داشت و جزء انتخاب‌های او بود، برای عضویت در مجمع انتخاب شود. مثال ساده‌ای می‌زنم، در دوره‌ای که «همیس دختر» فریاد نمی‌زنند، در جشنواره حضور داشت، فیلم اول منتخب من در جشنواره بود و همه بچه‌ها می‌گفتند این نگاه ما نیست و این فیلم، فیلم بدی است. می‌خواهم بگویم که تضادی اینچنینی در ناخودآگاه مجمع هست.

ابیلی سال گذشته نظراتی شکیبایی که مثلا ماجرای نیمروز سمپاد مناقفین است ولی اکثریت بچه‌ها می‌گفتند بهترین فیلم جبهه انقلاب است. ولی الان همه ما با هم هستیم و می‌دانیم همفکریم. جهت‌گیری کلی ما معلوم است.

دریالعل همان‌طور که گفتیم عضویت در مجمع به این معنا نیست که ما بیمه فلان داریم، کارت جشنواره می‌دهیم یا ساپورت خارجی جشنواره داریم. اینها را نداریم پس آدم‌ها منفعت ظاهری ندارند و برخی مواقع هزینه هم می‌دهند که خودشان را ذیل عنوان مجمع قرار می‌دهند. چون وقتی خبری منتشر می‌شود که مجمع نویسندگان و منتقدان فلان فیلم را به‌عنوان فیلم برتر انتخاب کرد، سه فیلم اول ممکن است فیلمی باشد که امیر جاوید از آن بدش بیاید و به اسم او هم نویسنده. چون او هم در نظرسنجی حضور داشته. مثل سالی که «درنده» برگزیده مجمع شد. من می‌گفتم درنده فیلم خوبی نیست ولی مجمع می‌گفت فیلم خوبی است و انتخاب اول بچه‌ها بود. این انتخاب به اسم من هم نوشته می‌شد چون گفتم من عضو مجمع هستم و شاید برای من هزینه بود.

فکر می‌کنم هرچه جلوتر می‌رویم ماهیت مجمع برای من مبهم‌تر می‌شود. آیا مجمع منتقدان شما قرار است صنفی باشد که حضور در آن برای اعضایش نه تنها فایده ندارد بلکه هزینه هم دارد. پس چرا باید اعضایش دور هم جمع شوند؟

جاوید شما دنبال این هستید که بدانید اعضای مجمع چرا دور هم جمع می‌شوند. ما حول مسئله جمع نشدیم و مساله ما انقلاب اسلامی است. در عنوان ما معلوم است و کارما هم مشخص است. همه ما حول مسئله هستیم. حالا ممکن است حول این مساله در کنش‌های فردی هم دچار تعارضاتی شویم. در کنش تشکیلاتی موقعی که قرار است خروجی داشته باشد، «ماجرای نیمروز» رد خون؛ چیز برگزیده‌هاست حتی اگر یکی از اعضا کنش فردی متفاوتی داشته باشد؛ اما همه سر یک مساله می‌ایستند و آن هم مساله انقلاب اسلامی است. این راهم سریع گسانی که مخاطب هستند برندارند به شکل دیگری تعبیر کنند و در بازی‌های مسخره فرم و محتوا ببرند. تکلیف ما در فرم و محتوا و این مسائل مشخص است. ما به انقلاب اسلامی به‌عنوان مساله در سینما نگاه می‌کنیم و برای ما مهم است. هنر متعهد و هنرمند متعهد برای ما مهم است و تکلیف ما را هم یک نفر روشن کرده است. هنرمند هم در باب فرم و اقبال هنر خود و هم در قبال مضمون تعهد دارد. این جمله حضرت‌آقا است. ما می‌گوییم اگر هنرمند متعهد است در هر دو تعهد دارد، هم تعهد فرم و قالب دارد و هم تعهد به مضمون. تکلیف ما هم مشخص است. ما حول یک مساله جمع شدیم که مساله انقلاب اسلامی است. حرف می‌زنیم، گفت‌وگو می‌کنیم، کنش رسانه‌ای داریم. الان زور ما تنها نیست اگر است و فعلا با کنش رسانه‌ای جلو می‌رویم تا بتوانیم به توان خود اضافه کنیم و کنش‌های دیگری انجام دهیم، این کار را انجام می‌دهیم. هر کسی این مساله را دارد، کنش رسانه‌ای دارد و در رسانه هست، طبیعتا هم ما می‌بینیم و هم او ما را می‌بیند. وارد مساله می‌شود و کنش و واکنش خواهد داشت.

بازهم دنبال وجه تمایز هستم، چون خیلی از منتقدان هستند که می‌گویند مساله من هم انقلاب اسلامی است و در نقدهایم هم به فرم و هم به محتوا توجه می‌کنم.

دریالعل مساله به روند حرکتی افراد بازمی‌گردد. منتقدی ممکن است بگوید مساله من انقلاب اسلامی است، روند و کنش او را در فضای رسانه‌ای رصد می‌کنیم، اگر مساله او در کنش او تایید شده باشد در این مسیر ما با او نسبت می‌گیریم و هم او ما با نسبت می‌گیرد. ملاک خروجی رسانه‌ای، افراد هستند.

در سرلیست شما ملاک‌ام محمدتقی فهیم، بین منتقدان پیشکسوت است. آیا بین منتقدان هم‌نسل او، منتقدی نبود که دوست داشته باشد در این جمع باشد؟

دریالعل این طور نیست که اگر مجمع که مجمع ما آقای فهیم نزدیک است و هم آقای فهیم گفته نگاهی که شما می‌گویید به من نزدیک است، این دوطرفه است.

فراستی هم در جمع منتقدان شماست؟

دریالعل خیر.

انتخاب از سمت او بود یا شما اجازه نمی‌دهید؟

دریالعل دوطرفه است. به ظن من ایشان به ما نزدیک است.

ابیلی آقای مستغاثی هم نیستند.

جاوید مسائل اینجا متفاوت است. آقای فراستی اساسا در هیچ دسته‌ای قرار نمی‌گیرد.

ابیلی خودشان نمی‌خواهند در هیچ دسته‌ای قرار گیرند.

دریالعل این دوطرفه است، نه ما دنبال ایشان رفتیم و نه ایشان طرف ما آمدند.

جاوید مهم این است که او احساس نزدیکی می‌کند یا خیر. اساسا او وارد هیچ دسته‌ای نمی‌شود. آقای مستغاثی یا مانند ایشان اگر نیستند بخشی به این برمی‌گردد که منطق مدیریت ما را می‌پذیرند یا خیر. مثلا گفتیم در منطق مدیریت خود مساله محور هستیم، کنش فردی اگر حول مساله باشد، محترم است. ولی کنش جمعی رسانه‌ای می‌شود و ممکن است آقای «الف» ی که اتفاقا در مساله نزدیک است، کنش فردی خلاف آن کنش جمعی داشته باشد. این طرف باید حذف شود یا چنین چیزی را نمی‌پذیریم.

دریالعل در جشنواره بروز بیشتری دارد، مثلا اگر فردی بگوید سه فیلم برتر من این است ولی اگر فیلم فلان و فلان جزء فیلم‌های برگزیده مجمع بود اسم مرا حذف کنید. ما کلا اسم او را حذف می‌کنیم و برای نظرسنجی بعدی هم دنبال او نمی‌رویم. چراکه شرط گذاشتن برای تشکیلات بزرگ و یک جمع، معنی ندارد. خواسته‌ها دوطرفه می‌شود. آقای مستغاثی که اسم بردید فکر کنم در دو نظرسنجی اول ما بود، ولی از وقتی اسم جمع آمد نبود، چون مجمع ساختار و خروجی معلوم و اسم مشخصی دارد.

ابیلی انتخاب‌ها برای ما نگاه کیفیت سلیقه‌ای مشخص است. سابق بر این فیلمی مانند «درند» در کلیت رسانه‌های انقلاب انتخاب نمی‌شد. قدیمی‌ها می‌ماندند ما منظور است ولی ما انتخاب می‌کنیم، چون برای ما فرم مهم است.

جاوید سرچ‌بوست را هم انتخاب نمی‌کردند.

ابیلی بله، هیچ گمده از این فیلم‌ها را انتخاب نمی‌کردند. مثلا فیلمی مانند «امیرطاهر جهنم» را در رسانه خود نقد نمی‌کردند ولی ما نقد شدید می‌کنیم. ما معتقدیم فیلمی مثل امیرطاهر جهنم نباید ساخته بشود، یعنی بیت‌المال را به اسم سینمای انقلاب هدر می‌دهد و اسم انقلاب را لکه‌دار می‌کند. آقای مستغاثی در طیفی از قدیمی‌ترها نگاه صریح‌تر محتوایی دارند. نگاه نمادگرایانه خیلی عجیب و غریبی دارد. بخش عمده‌ای از بچه‌های مجمع این نگاه را نمی‌پسندیم و فکر می‌کنیم بقیه هم اینچنین هستند. الان این ۵۰ نفری که دور هم جمع شدیم فکر می‌کنم به یک نقطه واحد رسیده‌ایم، یعنی این فضای فکری است که خروجی می‌دهد. همین می‌شود که فیلمی مثل سرخ‌پوست فیلم دوم مجمع می‌شود. معلوم است نگاه سنتی نمادگرایانه به سینما نداریم و نگاه ما با طیف افرادی چون مستغاثی یا پیام فضلی‌نژاد فرق می‌کند. ما نگاه خود را به سینما داریم که در آن فرم هم مهم است. سینما بودن هم مهم است. امیرطاهر جهنم هیچ‌گاه فیلم برگزیده ما نخواهد شد. در هیچ‌سالی فیلم‌های اینچنینی برگزیده ما نخواهد شد.

فکر می‌کنید چقدر آن چیزی که شما از خودتان نشان می‌دهید، مورد اتفاق اهالی رسانه است؟ این تصور وجود دارد که جمع منتقدان شما، اصالت را به محتوای اثر می‌دهند تا شکل اجرای یک اثر سینمایی.

جاوید آنچه دیده می‌شود نتیجه نظرسنجی است که سرچ‌بوست اول می‌آید. آن چیزی که دیده می‌شود مشخص است. آنچه روایت می‌شود باید بحث کرد که چه کسی و چطور روایت می‌کند.

دریالعل یک بروز ما بولتن جشنواره است که در ایام جشنواره فیلم فجر پخش می‌شود. فکر کنم نظر ۱۵-۱۴ نفر از بچه‌ها در جمع‌بندی نظرسنجی می‌آید.

این شکل کار تشکیلاتی، آن هم در ایام جشنواره ذیل عنوان منتقدان سینمای انقلاب، انتقاداتی هم داشته است، مثل اینکه نقد فیلم‌هایتان به پای همه بچه‌های ارزشی و حزب‌اللهی نوشته می‌شود.

دریالعل این نشان می‌دهد قدرت رسانه‌ای ما خوب است. اینکه بد نیست. توانستیم این کار را بکنیم و نگاه ما نگاه غالب شده است. اگر کس دیگری ناراحت است می‌تواند بگوید این نگاه من نیست و صدایش را به قدری بالا ببرد که شنیده شود. باید روی تشکل یک عنوانی بگذاریم. به هر حال اکثریت بچه‌ها ارزشی هستند.

جاوید نمی‌توانیم بنویسیم نویسندگان فریبرز و فریبا، بالاخره مساله انقلاب اسلامی، مساله ماست و مصادره هم نکردیم و هر جمع دیگری بخواهد حول مساله انقلاب اسلامی شکل گیرد هم‌پیوندی که سلیقه‌اش باشد در عنوان خود می‌گذارد.

ابیلی یک طیف داخل همین انجمن منتقدان وجود دارد. طیف دیگری عضو نیستند و می‌گویند جمعی که می‌گیرند خروجی ما نیست ولی باید چه کار کرد.

جاوید نگاه افراطی را در مجمع به اسم مجمع جست‌وجو نکنید. نگاه افراطی فعلا در سینمای ایران خاص کیهان و انجمن نویسندگان و منتقدان خانه سینما است. برای همین دو جاست و جای دیگر نمی‌بینید. یکی از این طرف و یکی از آن طرف است.

پس شما متعادل‌ترین نگاه را در بین منتقدان سینمایی دارید.

جاوید برای همین از دوطرف می‌خوریم.

یا این عبارت مرزبندی خود را با دوطیف منتقدان سینما مشخص می‌کنید؟

جاوید مساله انقلاب اسلامی یک چیز بیشتر نیست. همه در حوزه انقلاب اسلامی جمع هستیم و روبه‌روی انقلاب اسلامی هم استکبار است. استکبار را هر جایی پیدا کنیم، روبه‌روی آن هستیم. استکبار در خانه سینما باشد روبه‌روی آن هستیم، استکبار در کیهان باشد روبه‌روی آن هستیم.

حالا که از تعاریف کلی چون سینمای انقلاب و فرم و محتوا گذشتیم، شناخت نگاه مجمع راحت‌تر است. چون وقتی از مصادیق حرف می‌زنید، شاید مخاطب هم بهتر بتواند نتیجه بگیرد.

جاوید نمایز مجمع با طیف گسترده‌ای از کسانی است که به اسم جریان حزب‌اللهی می‌نویسند و می‌گویند فرم به اندازه مفهوم مهم نیست.

دریالعل جایزه قفنوس را در پنج، ۶ سال اخیر مقایسه کنید. جایزه برترین‌های مجمع را هم بررسی کنید. به ظاهر نگاه آنها به ما نزدیک است ولی فرم برایشان ارزشی ندارد.

ابیلی مثلا طیف عمار فرم را رد می‌کنند و می‌گویند اگر از فرم حرف بزنیم جرم کرده‌اید. الان کسی نیست که حرف از فرم بزند.

دریالعل ما انجمن منتقدان نیستیم، ما عمار نیستیم، قفنوس نیستیم، یعنی نگاه فرمی محض را قبول نداریم و نگاه محتوایی محض را هم گفتیم که قبول نداریم.

ابیلی ما می‌گوییم طیف خانه سینما و طیف کیهانی حزب‌اللهی‌ها به هم نزدیک و هر دو محتوازاده هستند. اینها سیاسی رای می‌دهند. ما هم با محتوا رای می‌دهیم و هم به فرم رای می‌دهیم یعنی فیلم باید هم فیلم باشد و هم فضای سینمای انقلاب اسلامی بتوان آن را تعریف کرد؛ یعنی ما هم محتوا و فرم رای می‌دهیم. یعنی فیلم باید هم فیلم باشد و هم ذیل سینمای انقلاب اسلامی بتوان آن را تعریف کرد. اما چقدر این تصویری که امیر جاوید از مجمع ارائه می‌دهد با آن چیزی که بین اهالی سینماست، تناسب دارد. واقعیت این است که با وجود این مدل مرزبندی‌ها که در گفتار اعضای این مجمع هم دیده می‌شود، همچنان تصویر درست و دقیقی از آنها بین اهالی سینمای ایران وجود ندارد. خودشان می‌گویند: «ما با فیلمسازان و خیلی از بازیگران جلسه داریم و گپ می‌زنیم. آنها هم ما را می‌شناسند و هم ما آنها را می‌شناسیم. ولی هیچ خبری منتشر نمی‌کنیم چون ممکن است هزینه‌هایی برای دو طرف داشته باشد.»

> **۹** واقعیت این است که با فیلمسازان و خیلی از بازیگران جلسه داریم و گپ می‌زنیم. آنها هم ما را می‌شناسند و هم ما آنها را می‌شناسیم. ولی هیچ خبری منتشر نمی‌کنیم چون ممکن است هزینه‌هایی برای دو طرف داشته باشد

ابیلی اتفاقا بدنه ما خیلی ارتباط دارند.

دریالعل من یک نکته بیان کنم. ارتباط یکی است و رسانه‌ای کردن ارتباط یک مطلب دیگری است. کاملا رسانه‌ای گپ می‌زنیم.

می‌توانید بگویید که با کدام هنرمند در مورد اثرشان صحبت کردید؟

دریالعل خیر، نکته این است قول و قرارهایی که با هم می‌گذاریم برای فیلم‌دیدن است. ما با بازیگران، آهنگسازان، کارگردانان و تهیه‌کننده‌های زیادی صحبت می‌کنیم.

ابیلی آف‌رکورد خواستید به شما می‌گوییم.

می‌خواهیم رسانه‌ای شود.

ابیلی واقعیت این است که با فیلمسازان و خیلی از بازیگران جلسه داریم و گپ می‌زنیم. آنها هم ما را می‌شناسند و هم ما آنها را می‌شناسیم. ولی هیچ خبری منتشر نمی‌کنیم چون ممکن است هزینه‌هایی برای دو طرف داشته باشد.

چرا هزینه دارد؟

ابیلی به خاطر اینکه فضای آن‌ور خیلی ایدئولوژیک‌تر است.

دریالعل به همان دلیل که مثلا اگر آنها در فیلم‌های حزب‌اللهی بازی کنند جای دیگر نمی‌توانند بازی کنند. شما نگاه کنید به آقای علیرام نورایی بعد از قلاده‌های طلا چقدر بازی دادند؟ درحالی که فیلم ضد فتنه بازی کرد. آن‌ور خیلی معاند است و احتمال دارد بگوید چرا با فلانی نشسته‌اید...

یعنی نشستن فیلمسازان در کنار اعضای مجمع هزینه دارد.

دریالعل حتما هزینه دارد.

جاوید کنش شما کنش فرهنگی است و کنش امثال انجمن منتقدان، سیاسی است و طبیعی است کنش‌گر سیاسی سراغ حذف می‌رود. کنش‌گر فرهنگی سراغ گفت‌وگو می‌رود. ما گفت‌وگو می‌کنیم و او حذف می‌کند.

دریالعل از روشنفکرترین آدمی که حتی مخالف فیلم‌های او بودیم، نشست داشتیم و گپ زدیم تا موافق‌ترین آنها. از بازیگر روشنفکری که در بازی‌های خود از ۱۰ فیلمش، دو تا با مو و در بقیه فحش داده است، نشسته‌ایم تا کارگردانی که فکر می‌کنیم همه کارهای او ضد ماست و درواقع ما را نقد می‌کند. حتی با آهنگسازان فیلم‌ها هم نشستیم.

ابیلی حتی جلسه تقدیر خصوصی داریم. ممکن است بگوییم ممنون هستیم در این فیلم بازی کردید ولی به او هم می‌گوییم بنا نیست این را رسانه‌ای کنید. با هم آشنا می‌شویم و گپ و گفت داریم و کار فرهنگی می‌کنیم، اصلا نیاز به شاتراژ رسانه‌ای و ریپورتاژ نیست. ما حرف خود را در نقدها بیان می‌کنیم. ما نقد می‌نویسیم ولی برای کارهای فرامتنی که مستقیم است لزومی به رسانه‌ای کردن نیست.

خاطرم است چندسال قبل، بعضی از اعضای اصلی مجمع که اتفاقا در رسانه حضور فعالی داشتند. در یک اتفاق نظر رسانه‌ای برای مقابله با کران یک فیلم، مثلا با اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس گفت‌وگو می‌گرفتند و سعی می‌کردند با یک فشار رسانه‌ای مانع از اکران فیلم شوند؟ آیا این موارد هم با اتفاق نظر در مجمع صورت می‌گرفت؟

جاوید خیر، این کنش رسانه‌ای خودشان بود. رسانه، کنش رسانه‌ای کن اتفاقا در ایام داده است. کار ما نقد فیلم است.

ابیلی اگر کار رسانه‌ای ما روی مسئولان آنقدر تاثیرگذار بود که مانع از اکران فیلم شود، این از هنر ماست.

دریالعل چالش ما در نقد است، نه کار سیاسی!

ابیلی ما تا الان عملی خارج از چارچوب رسانه انجام دادیم؟ ما می‌گوییم از نظر من رسانه‌ای، این فیلم بد است و این دلایل را دارد.

جاوید حرف غیرسینمایی هم نزدیم.

ابیلی اینکه حرف من برای مدیر اولویت دارد و می‌گوید بد است پس یک تاثیری روی فیلم می‌گذارد، این هنر من است که در رسانه خود مطالبه کردم. غیر از این است؟ ما تا الان نه تجمع برگزار کردیم، نه مخالف بودیم. همان زمانی که عده‌ای تجمع برگزار می‌کردند، ما آن موقع در رجانیوز علیه تجمعات مطلب می‌نوشتیم که فحش هم می‌خوردیم چون با اخرج آنها هم حزب‌اللهی بودند. یعنی همیشه گفتیم در چارچوب رسانه کار کنید، اگر قدرت دارید مدیران تاثیر می‌پذیرند، اگر نه که هیچی!

دریالعل من قبل از راه‌اندازی مجمع شروع می‌کنم؛ یعنی از حدود سال ۸۹ که گمده‌های دورهمی با حضور برخی دبیران فرهنگی رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای شکل گرفت. اینها هم از بین «حزب‌اللهی» سایتی و روزنامه بودند تا روشنفکر این‌وری. یک گمده دورهمی که فقط با هم بنشینیم گپ بزنیم و فضا دست ما بیاید. هفته‌ای یک‌بار یا ماهی یک‌بار همدیگر را می‌دیدیم. نسبت تیمی که راه افتاده بود و آدم‌هایی که دور هم می‌نشستند، از یکی دو نفر کم‌کم شروع شد تا دوره‌ای که نزدیک به ۳۰-۲۵ نفر هر هفته در این دوره‌ها حضور داشتند.

عکس: کاوه حسنی، فرهیختگان

ادامه از صفحه ۱۲

صحبت‌های حامد عنقا درمورد پول‌های مشکوک در سینما

حامد عنقا و غلامرضا موسوی، تهیه‌کنندگان رابطه سینما در میزگردی با خبرگزاری مهر بحث‌های مختلفی را در مورد VOD‌ها و بحث شبکه نمایش خانگی مطرح کردند. عنقا در بخشی از صحبت‌هایش می‌گوید: «برخی از مدیر تولیدها هنوز که هنوز است، مصاحبه می‌کنند و مدافع سینه‌چاک خیلی از همان سرمایه‌گذارانی هستند که با محاکمه شده‌اند یا در انتظار محاکمه هستند. این بلایی که سر جامعه ما آمد، به واسطه همین محصولات خاص بود. تو محصولی می‌سازی که در آن فضایی لاکچری، راننشان می‌دهی و میل اجتماعی را بالا می‌بری و مشخص است که از نقطه‌ای به بعد، برای شما مهم نیست که این پول از کجا می‌آید! اتفاقا من خط پول آلوده را در پولشویی نمی‌دانم، بلکه در فرهنگ که در جامعه رخ داد، می‌دانم؛ این